

یک مقاله چنین سؤال کرد: «تغییر فاز خشونت خیابانی به مجازات قانونی به چه معناست؟» کسی به این سؤال پاسخ نداد، چون در ماه تیر معمولاً کسی به سؤال کسی پاسخ نمی‌داد. اما پاسخ آن کاملاً واضح بود. یک صدا از اعماق تاریخ می‌گفت: «حمید! مثل اینکه تنت می‌خاره، واسه اینکه وسط خیابون به کتک حسابی بخوری؟» شاید تنها کسی که در این مورد نظری ارائه داد محتشمی بود. وی گفت: «اگر مردم احساس کنند مسئولان عکس آنها عمل می‌کنند قهر پدیدار می‌شود.» برخی از مسئولان در این باره کمی فکر کردند و گفتند: «چه بهتر، مثلاً اگر قهر پدیدار شود چه می‌شود؟»

### اقلیت، اکثریت، پژو پرشیا

در طول این مدت مجلس در حال تشکیل شدن بود. موج پژو پرشیا که آگهی‌های دلفریب آن از تلویزیون پخش می‌شد، وارد مجلس شد. در مجلس اقلیت و اکثریت در

علاقه‌ای به باغبانی نداشت ترجیح می‌داد که به جای انجام هر کاری حرف بزند. او یک صندلی تهیه کرد و صبحها صندلی را کنار باجه تلفن زندان می‌گذاشت و از آنجا با کلیه دوستان و آشنایان تماس می‌گرفت. از همانجا تلفنی خرید خانه را می‌کرد و در جریان کلیه اخبار قرار می‌گرفت. در یکی از همین تماس‌ها بود که وی اظهار داشت: «آماده مناظره با محسنی اژه‌ای هستم.» اما به نظر می‌رسید که شمس الواعظین هنوز خبر ندارد که بیرون چه خبر است. اما دوستان شمس می‌دانستند که او تا چه حد موجود شیرین و بامزه‌ای است.

### خشونت خیابانی یا مجازات قانونی؟

در ماه تیر یک سؤال اساسی از سوی حمید جلایی‌پور که پس از رفتن شمس الواعظین به اداره هفته‌نامه گوناگون می‌پرداخت و به دلیل کم شدن کارهایش بیشتر در خانه بود و با مادرش ارتباط بیشتری داشت، مطرح شد. وی در

حال بحث بر سر به دست آوردن کمیسیونهای مجلس بودند.

### خبر داغ؛ کنسرت فائقه آتشین

همزمان با ایجاد بحران در داخل کشور، فائقه آتشین (گوگوش سابق) اقدام به برگزاری یک مجموعه کنسرت در آمریکا و کانادا کرد. این اتفاق مهمی بود، گروهی معتقد بودند که او نباید این کار را می‌کرد، اما گروه دیگری می‌گفتند: «اصلاً به شما چه، دلش خواسته، کرده، آدم زنده وکیل و وصی نمی‌خواهد.»

### دو خبر تلخ: گلشیری در گذشت، شاملو درگذشت

هوشنگ گلشیری، مرد بزرگ داستان‌نویسی ایران و یکی از معدود هنرمندانی که ادبیات را جدی می‌گرفت و همیشه حوزه ادبیات را از حوزه سیاست جدا می‌کرد،

درگذشت. هرچه فکر می‌کنم درباره او نمی‌توان طنز گفت؛ شاید عزیزتر از این بود.

به فاصله کوتاهی پس از درگذشت مرد اول داستان‌نویسی ایران، مرد اول شعر ایران هم درگذشت.

### مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی آزاد شدند

و سرانجام مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی پس از اینکه مدتی طولانی به در و دیوار سلول خیره شدند و کاشی‌های کف سلول را شمردند و در مورد هدف زندگی فکر کردند، برای ادامه عذاب آزاد شدند و به خانه‌شان رفتند. مهرانگیز کار در این مدت به دلیل فشارهای شدید دچار بیماری شد و تحت شیمی‌درمانی قرار گرفت.

### پائولو! این چه وقت آمدن بود؟

بعد از موج بلند عرفان هندی کریشنا مورتی و عرفان مکزیکی کارلوس کاستاندا که شرایط دوران سازندگی را

این واقعه مسافران هواپیما کشته شدند. و شرکت کنکورده با مشکل مواجه شد.

### روزنامه‌نگاران از همدیگر دیدار می‌کنند

با زندانی شدن برخی از روزنامه‌نگاران و بیکار شدن سایر روزنامه‌نگاران، افراد بیکار شده به فکر تفریحات مناسبی برای گذراندن اوقات فراغت خودشان افتادند. یکی از بهترین تفریحات سرزدن به خانواده‌های زندانیان بود. در هر چند روز یکبار، گروهی از روزنامه‌نگاران جمع می‌شدند و به خانه یکی از روزنامه‌نگاران می‌رفتند و در آنجا با همدیگر عکس می‌گرفتند و به این موضوع فکر می‌کردند که مدتی بعد خودشان هم باید به زندان بروند.

### «گوناگون» توقیف شد

هفته‌نامه «گوناگون» که پنج شماره از انتشار آن می‌گذشت، روز پنجم مردادماه توقیف شد. به فاصله

برای مردم قابل تحمل می‌کردند، عرفان برزیلی پائولو کوئیلو در ایران توجه بسیاری از جوانان کشور را به خود جلب کرد. آنها دوست داشتند در آسمان راه بروند و روی دریا پیاده‌روی کنند. شاید علت این موضوع را بتوان در سقوط تعداد زیادی هواپیمای مسافربری در سالهای پس از انقلاب دانست. به هر حال در روزهای گرم اول سال ۷۹ خبر ورود پائولو کوئیلو به ایران شنیده شد. بسیاری از طرفداران او به استقبالش رفتند و به شدت از او استقبال کردند. پائولو کوئیلو در اثر مشاهده جمعیت به این سؤال فکر می‌کرد که: «واه! اینا چرا اینجوری می‌کنن؟»

### سقوط کنکورده در پاریس

در اولین روزهای مردادماه سال ۷۹ هواپیمای کنکورده که از یکی از فرودگاه‌های پاریس قصد پرواز داشت ادای هواپیماهای ایرانی را درآورد و تا حدی سقوط کرد. در اثر

اندکی از این ماجرا هفته‌نامه «دانستنیها» نیز توقیف شد. همزمان با این واقعه در ساختمان شرکت جامعه روز لاک و مهر شد. در همین ماه هفته‌نامه «توانا» نیز تصادفاً به دلیل چاپ کاریکاتوری از خاتمی، رئیس‌جمهور، توقیف شد. این اتفاق مبارک و میمون در روز ۱۶ مردادماه رخ داد. دو روز بعد نیز روزنامه بهار نیز به دلیل ارتکاب اعمال شنیع و مستهجن روزنامه‌نگاری تعطیل شد. کارکنان این روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها تصمیم گرفتند بلافاصله نشریات جدیدی را به چاپ برسانند، اما به زودی فهمیدند که یک روزنامه‌نگار خوب نباید از این کارهای بد بکند.

### شایعه دستگیری ۱۰۰ روزنامه‌نگار تکذیب شد

در اولین روزهای ماه مرداد شایعه دستگیری ۱۰۰ روزنامه‌نگار مطرح شد. هیچکس نمی‌دانست این صد

روزنامه‌نگار چه کسانی هستند، اما همه می‌دانستند تنها رسانه قابل اعتماد که معمولاً واقعیات را نشان می‌دهد شایعه است. بعداً اتفاقات نشان داد که این شایعه از اساس دروغ است. یکی از مسئولان اظهار داشت: «یعنی شما فکر می‌کنید ما اینقدر بیکار هستیم که بیاییم روزنامه‌نگارها رو بازداشت کنیم؟» این پاسخ کاملاً منطقی به نظر می‌رسید و به همین دلیل بود که مسعود بهنود در روز ۱۵ مرداد، یوسفی اشکوری در روز ۱۶ مرداد، احمد زیدآبادی در روز ۱۷ مرداد، سیدابراهیم نبوی در روز ۲۲ مرداد و محمد قوچانی در روز ۲۳ مرداد دستگیر شدند. سیدابراهیم نبوی در همان ساعتی وارد زندان اوین شد که جایزه بهترین طنزنویس مطبوعات را می‌بایست دریافت می‌کرد و محمد قوچانی یک روز پس از دریافت جایزه بهترین نویسنده مقالات سیاسی مطبوعات بازداشت شد.

«سرانجام» همه ماها خواهیم مرد، اما همگان اذعان داشتند که پس از مرگ اگر آزادی باشد خیلی بهتر است تا آزادی نباشد. در این میان پورنجاتی نماینده مردم تهران که در یک پروسه چهارساله از پخش چپ جناح راست به پخش راست جناح چپ منتقل شده بود، اظهار داشت: «تبلیغات تخریبی علیه خاتمی گلوله‌های برفی است». احتمالاً منظور وی این بود که گلوله‌های برفی انشاءالله در تابستان سال آینده که هوا گرم شد آب خواهد شد، اما واقعیت این بود که در طول سال ۷۹ حرارت هوا به بالای صفر نیامد.

### تبریک روز خبرنگار

در پی دستگیری «سیدابراهیم نبوی» و متوقف شدن فعالیت «نیک‌آهنگ کوثر» و همچنین توقف کار طنزنویسان سیاسی در مردادماه وظیفه بیان طنزآلود مسائل برعهده شمخانی وزیر دفاع گذاشته شد. وی در

**خداداد عزیزی: من سیاستمدار نیستم**  
در یک اظهارنظر آشکار که احتمالاً به فوتبال مربوط بوده است خداداد عزیزی فوتبالیست سرشناس خراسانی کشور اعلام داشت که من سیاستمدار نیستم. این نظر بعدها تأیید شد، دلیل آن هم هنوز کاملاً مشخص و واضح نیست.

### مشروطیت هر سال تکرار می‌شود

در سال ۷۹ نیز مثل سالهای قبل مسئولان مملکتی نسبت به تکرار مشروطیت هشدار دادند. حجت‌الاسلام ناطق نوری که به نظر می‌رسد مسئولیت تذکر دادن نسبت به خطر تکرار مشروطیت با اوست مجدداً در این مورد هشدار داد. اظهارات ناطق در ماه مرداد بیان شد. مهاجرانی نیز در همین ماه مجدداً تأکید کرد که تاریخ سرانجامی جز آزادی ندارد. اظهارات مهاجرانی اگرچه دلگرم کننده بود، اما این نکته را یادآوری می‌کرد که

یک اقدام اولترا دموکراتیک روز خبرنگار را به خبرنگاران تبریک گفت. خبرنگاران در همین راستا اظهار داشتند: «مرسی، قابلی نداره»

### طرح اصلاح قانون مطبوعات

طرح اصلاح قانون مطبوعات که توسط مجلس ششم مطرح شده بود، مطرح نشد. در همین راستا بی در همین راستا.

می‌گفتند «پینوشه بی‌تربیت، برو توی خانه‌ات و تا وقتی کاری نداری بیرون نیا» باعث شدند که طرفداران پینوشه به خیابان بیایند و از رهبر مستبدشان طرفداری کنند و شعار بدهند و بگویند که: «به کوری مخالف پینوشه، شیلی ایران نمی‌شه» ظاهراً منظور آنان این بود که اینطور نیست که ما اجازه بدهیم شما تندروها زرت و زرت سر رهبران سابق را بگذارید بغل باغچه و گوش تا گوش ببرید.

### الک گینس درگذشت

معلوم نیست که آیا دستگیری احمد زیدآبادی در پی درگذشت الک گینس بازیگر بزرگ سینما که همیشه در نقش مردان بزرگ بازی می‌کرد، رخ داد، یا این که این مرد بزرگ در پی زندانی شدن خبرنگار سیرجانی و نویسنده ملی مذهبی لیبرال‌منش و آرام مطبوعات ایران دق کرد. در هر حال این دو اتفاق بطور عجیبی در روز ۱۷ مرداد رخ داد. در این میان «ایرج» خواننده قدیمی که

### آی آقای پینوشه! ایران شیلی همیشه

در ماه مرداد و در پی دستگیری برخی خبرنگاران و متوقف شدن روزنامه‌ها و متوقف شدن سایر چیزها مصونیت سیاسی پینوشه لغو شد. همین امر باعث شد تا مردم شیلی پدر پدرو سوخته پینوشه را در بیاورند. پینوشه که پس از سفر دور دنیا و دیدن همه موزه‌های جهان به شیلی برگشته بود، با تظاهرات گسترده مردم شیلی که به او

از روزنامه‌نگاران دستگیر شده‌اند، اما برخی دیگر معتقد بودند که اگر منظور تاج‌زاده این بود، همین را می‌گفت. در همین موقع بود که وزارت کشور اولین بخشدار زن را به نام خانم رحمت روحانی سروسستانی به عنوان بخشدار سروستان شیراز انتخاب کرد.

### آن صد روزنامه‌نگار چه کسانی بودند؟

از اوایل ماه مرداد شایعه دستگیری صد روزنامه‌نگار و نویسنده مطرح بود. اگرچه دستگیری چهار روزنامه‌نگار به این معنی بود که این شایعات حقیقت ندارد، اما معلوم نبود که چرا خبرنگاران از این خبر هنوز می‌ترسیدند. بالاخره مسئولان امر در یک اقدام روشن و مشخص اظهار داشتند که این شایعه حقیقت ندارد، تکذیب این شایعه به آن قوت بخشید و خبرنگاران فکر کردند که حتماً اتفاقی خواهد افتاد، اما اتفاقی نیفتاد. انجمن دفاع از آزادی مطبوعات که اگر خیلی کار از آنها بر می‌آمد جلوی

صدایش سالها روی تصویر فردین بازیگر قدیمی سینمای ایران - که در ماه اردی‌بهشت درگذشته بود - شنیده می‌شد، برای اینکه اثبات کند «تنها صداست که می‌ماند» چند روز بعد از دستگیر شدن مسعود بهنود و یکی دو روز قبل از دستگیری احمد زیدآبادی در تالار فرهنگ کنسرت خود را برگزار کرد. دوستان صدای ایرج و بسیاری از مردم با خودشان می‌گفتند: «حالا که مطبوعات توقیف شده، لااقل به تالار فرهنگ برویم و کنسرت ایرج را تماشا کنیم.»

### خانم رحمت روحانی سروسستانی

توسعه سیاسی همچنان ادامه داشت. در پی ادامه همین توسعه سیاسی - که شنیدن واژه آن «تاج‌زاده» را به ذهن متبادر می‌کرد - وی اظهار داشت: «دولت از زندگی شرافتمندانه و آزادی شهروندان دفاع می‌کند.» بعضی‌ها معتقد بودند که منظور تاج‌زاده این بوده است که تعدادی

توقیف مطبوعات را می‌گرفتند، طی یک اطلاعیه خواستار آزادی روزنامه‌نگاران زندانی شدند.

### خیانت به امید مردم

خاتمی رئیس‌جمهور که در ماه مرداد و ماههای قبل از آن از «امید»، «آینده»، «گفتمان»، «آزادی» و از این جور حرفها، حرف زده بود، در یک واکنش شدیدالحن دستور داد که از این به بعد هیچکس حق ندارد به امید مردم خیانت کند. وی گفت: «نباید به امید مردم خیانت شود.» در پی این اظهارنظر کسانی که باعث ناامید شدن مردم شده بودند، گفتند: «معذرت می‌خواهیم، دیگه از این کارهای بد نمی‌کنیم.»

### انترناسیونالیسم فرهنگی

در سال ۷۹ اگرچه بسیاری از هنرمندان و نویسندگان ایرانی دچار مشکل شده بودند، اما در عوض بسیاری از

بزرگان هنر و فرهنگ جهان به ایران آمدند و ایران را تماشا کردند. راوی شانکار، موسیقیدان هندی که سالها قبل دونوازی معروف او با یهودی منوهین - این یهودی کثیف و خوش صدا - موجی از شگفتی به راه انداخته بود، به تهران آمد و کنسرت اجرا کرد. پیش از او پائولو کوئیلو به ایران آمده بود و پس از او نیز در بهمن ماه چند نفر از کارگردانان مهم جهان مانند «تئو آنجلوپولوس» به ایران آمدند. مسئولان فرهنگی کشور در همین راستا با زبان بی‌زبانی می‌گفتند «اکبر گنجی به راوی شانکار در»

### لطفاً نفتی نشوید!

یکی از مسائلی که در سال ۷۹ اتفاق افتاد افزایش عجیب و غریب درآمد دولت ایران بود. مطابق معمول، دولت ایران هیچ نقش خاصی در افزایش این درآمد نداشت. دلیل افزایش درآمد دولت، افزایش بهای بین‌المللی نفت بود. در ماه مرداد بهای نفت ۳۲ دلار شد. مخالفان دولت



روزی سه ساعت در آن راهپیمایی کرد.  
جریان پنجم اقتصادی گفت:

- بهترین کار این است که تمام دلارها را صادر کنیم به  
خارج و به جای آن ریال وارد کنیم.  
تقریباً نیمی از سال ۷۹ به بحث در مورد همین مازاد  
درآمد نفتی گذشت.

### چرا محدودیت ندارد؟

و بالاخره رئیس مجلس که همه مردم فکر می‌کردند یک  
رئیس مجلس سازشکار است و بسیاری از آنها به  
خودشان گفته بودند: «بشکنه این دست که اسم کروب‌رو  
توی برگه انتخابات نوشت»، در یک اقدام شجاعانه  
پرسید: «چرا نظارت شورای نگهبان محدودیت ندارد؟»  
در پی این سؤال، پاسخی به وی داده شد.  
- «برای اینکه نظارت شورای نگهبان نامحدود است.»  
وی گفت: «آهان! پس به این دلیل بود؟»

هرچه تلاش کردند که جلوی افزایش قیمت نفت را در  
سطح جهانی بگیرند، موفق نشدند. و همین امر باعث شد  
دولت ایران بالاخره به درآمدی برسد که این سؤال را  
مطرح کند که با این پول اضافی چه کنیم؟ این سرگردانی  
عجیبی بود. برای آدمی که هیچوقت پول ندارد بدترین  
چیز پولدار شدن است، معمولاً در این حالت اتفاق چندان  
جالبی نمی‌افتد. بعضی از مسئولان عالیرتبه در پاسخ به  
این سؤال می‌گفتند:

- پولها را بدهید به ما، خودمان می‌دانیم با آن چکار کنیم.  
گروهی دیگر اظهار داشتند:

- همه این پول را پفک‌نمکی بخریم و بدهیم بچه‌ها  
بخورند.

اعضای جناح سوم اقتصادی گفتند:

- با این پول شکاف بین سنت و مدرنیته را پر کنیم.

یکی از جریان‌های مهم اقتصادی هم گفتند:

- با این پول می‌توان تمام کویر لوت را آسفالت کرد و

## POP MUSIC

در پی به ابتذال کشیدن کلیه ارکان فرهنگ و هنر ایران در سه سال گذشته، خوشبختانه موسیقی ایرانی نیز به ابتذال کشیده شد. موسیقی «پاپ» که پس از انقلاب به عنوان یک کالای تجملی ویژه مرفهین بی‌درد و یکی از اصوات امپریالیسم محسوب می‌شد و مورد سیاست سکوت قرار گرفته بود فعال شد. تا پیش از این همگان موظف شده بودند خوانندگان اصیل و کسالت‌آور موسیقی سنتی ایرانی را تحمل کنند. این سؤالات در سال گذشته بارها و بارها شنیده می‌شد:

- داهاتی‌رو شنیدی؟ ماهه، ماه!

- این خشایار اعتمادی یه یا داریوش؟

- آقا، نوار فریبای شادمهر رو دارین؟

- ببخشید، این صدای ضبط صوته یا رادیو؟

نکته جالب این بود که خوانندگان پاپ تلاش می‌کردند -

یعنی موظف بودند - که عمیق‌ترین مسائل فلسفی و جامعه‌شناختی را در اشعارشان با سبک‌ترین نوع موسیقی بیان کنند. بدین ترتیب بازار موسیقی ایران که تا قبل از این در انحصار موسیقی لوس آنجلسی قرار داشت تا حدی در اختیار تولیدات داخلی قرار گرفت. به دنبال این موفقیت بود که داریوش پیر نیاکان در مورد موسیقی پاپ گفت: «موسیقی پاپ رایج بی‌هویت است.» بسیاری از طرفداران موسیقی پاپ در پی این اظهارنظر تازه فهمیدند چرا از این موسیقی خوششان می‌آید.

### سحابی آزاد شد

سرانجام عزت‌الله سحابی پس از اینکه مدتی در بند ۳۲۵ در جوار شمس‌الواعظین به سر برد، حوصله‌اش سر رفت و برای مدت محدودی در روز دوم شهریور ۷۹ آزاد شد. ظاهراً علت آزادی وی این بود که برای دستگیری بعدی ضروری بود که او آزاد شده باشد. سحابی پس از آزادی

شهر به هم ریخت، بحث‌ها بالا گرفت. تاج‌زاده طبق معمول متهم شد. روز ۷ شهریور مردم خرم‌آباد علیه گروه‌های فشار تجمع کردند، اما دو سه روز بعد گروه‌های فشار - که تبدیل به مردم خرم‌آباد شده بودند - تظاهرات کردند. این مسئله باعث شد بحث در مورد اینکه آیا اغتشاشگران دعوا را شروع کردند یا گروه فشار عامل حادثه خرم‌آباد بود، بالا بگیرد. جنگ میان قوای مختلف مغلوبه شد. دوازده هزار گزارش از حادثه خرم‌آباد عرضه شد و مجلس قول داد عوامل حادثه خرم‌آباد را به دادگاه معرفی می‌کند.

### شمارگان شما چقدر است؟

تا پیش از سال ۷۹ همه روزنامه‌ها پرتیراژترین روزنامه‌های کشور بودند. در سال ۷۹ وزارت ارشاد همه روزنامه را موظف کرد که تیراژ - یا شمارگان - خودشان در روزنامه چاپ کنند. پنج روزنامه کثیرالانتشار که

متوجه شد که اکثر بچه‌ها در زندان هستند، بنابراین به خودش اظهار داشت: «اصلاً تنهایی حال نمی‌ده.» وی چند ماه بعد در حالی که زانوی غم در بغل گرفته بود و دلش برای زندان اوین و تحلیل‌های شمس‌الواعظین تنگ شده بود، مجدداً دستگیر شد و به اوین رفت.

### جنبش دانشجویی

در ماه شهریور نشست سالانه انجمن‌های اسلامی دانشجویی برگزار شد. جنبش دانشجویی که احساس می‌کرد موظف است جنبش اصلاحات را به پیش ببرد در این نشست سالانه به این نتیجه رسید که «جنبش دانشجویی باید اصلاحات را به پیش ببرد.» این اصلاحات آنقدر توسط جنبش دانشجویی پیش برده شد که به حوالی خرم‌آباد رسید. در همانجا درگیری اتفاق افتاد. گروهی از نیروهای تندرو به دانشجویان اثبات کردند که اصلاحات هیچ ربطی به آنان ندارد. در نتیجه گروهی زخمی شدند،

می‌ترسیدند چاپ تیراژشان باعث شود که آدم‌های بدچشم، آنها را چشم بززند با چاپ شمارگان مخالفت کردند. وزارت ارشاد به این پنج روزنامه تذکر داد، اما آنها به وزیر و معاونش گفتند: «بروید بابا! ما اصل وزارتخانه و خودتان را قبول نداریم، تذکر ندهید که حالتان را می‌گیریم.» در همین درگیری‌ها بود که روزنامه کیهان اعلام کرد که تیراژ این روزنامه حدود ۲۰۰ هزار نسخه است، اما با وجود اینکه دیگران معتقد بودند تیراژ کیهان حداکثر ۱۰۰ هزار نسخه است، این روزنامه اعلام کرد که ۲۰۰ هزار نسخه کیهان از ۴۶۰ هزار نسخه همشهری بیشتر است. سرانجام تیراژ روزنامه‌های اصلاح طلب باقی مانده که هنوز تعطیل نشده بودند به میزان ۱/۳۸۰/۰۰۰ نسخه و تیراژ روزنامه‌های محافظه کار به میزان ۲۹۶/۰۰۰ نسخه اعلام شد. این امر موارد زیر را نشان می‌داد:

(۱) تیراژ روزنامه‌های اصلاح طلب و محافظه کار تقریباً

شبه درصد آدم‌های طرفدار اصلاح طلبان و محافظه کاران است.

(۲) توقیف مطبوعات تأثیر فراوانی بر کاهش تیراژ روزنامه‌های اصلاح طلب داشته است.

(۳) اصلاح طلبان روزنامه‌های اصلاح طلب و محافظه کاران روزنامه‌های محافظه کار را می‌خوانند.

(۴) در این مملکت روزنامه مستقل نداریم.

### مجلس و دانشجویان

در پی دستگیری گروهی از دانشجویان در خرم‌آباد مجلس قول داد که برای آزادی دانشجویان دستگیر شده تلاش خواهد کرد. معلوم نشد که این تلاش‌ها بود که باعث آزادی گروهی از دانشجویان دستگیر شده شد، یا اینکه همین تلاش‌ها باعث شد که دانشجویان دستگیر شده، آزاد نشوند؟ همزمان با همین اقدام دانشجویی مجلس بود که «طرح ممنوعیت اعزام دانشجویان دختر به خارج»

آقای خزعلی مجدداً توضیح داد: «من گفتم ۶۰ عبد صالح برای ۶۰ میلیون نفر کافی است.» این توضیح نشان داد که آیت‌الله خزعلی آنچه را که قبلاً اظهار شده قبول دارد، اما فکر می‌کند درست است که از ۶۰ میلیون نفر، فقط ۶۰ نفر بندهٔ خالص خدا هستند، اما همان ۶۰ بندهٔ خالص خدا کافی هستند.

### امیر محبیان، از راست به چپ

امیر محبیان که گاهی اوقات معلوم نیست تا چه حد محافظه کار و تا چه حد لیبرال است، بدون اینکه اشاره‌ای به نظر آیت‌الله خزعلی داشته باشد، اظهار داشت: «دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی نظر جناح راست نیست.» بعداً وی و طه هاشمی اظهار داشتند که نظر جمعیت‌های مؤتلفه هم نظر جناح راست نیست. به تدریج گروهی از نیروهای جناح راست تغییر مواضع خود را آشکار کردند.

مورد بحث قرار گرفت تا لغو شود.

برخی از نمایندگان که فکر می‌کردند اگر دختر دانشجو در ایران بماند مثل دسته گل پرورش می‌یابد و هرگز کارهای بد بد نمی‌کند با این طرح مخالفت کردند، اما گروه دیگری که می‌دانستند که آدم تا دلش نخواهد کار بدی نمی‌کند، با این طرح موافقت کردند. طبعاً این طرح به شورای نگهبان رفت و از این جور حرفها.

### ۶۰ میلیون نفر و ۶۰ نفر

در ماه شهریور بود که آیت‌الله خزعلی که اظهاراتش همیشه باعث سؤتفاهم می‌شود، اظهار داشت: «از ۶۰ میلیون ایرانی ۶۰ بندهٔ خالص خدا پیدا نمی‌شود.» در پی این اظهارنظر مردم از همدیگر پرسیدند: «این ۶۰ نفر کجا هستند؟ پس ما چرا آنها را ندیدیم؟» مهاجرانی در پی این اظهارنظر به آقای خزعلی جواب داد: «چرا به مردم ایران توهین می‌کنید؟» به دنبال پاسخ مهاجرانی

## زمانی برای مستی اسبها

درست در زمانی که «جنون گاوی» در اروپا اوج گرفته بود و چندان بی‌ربط نبود اگر فیلمی به نام «زمانی برای خریدت الاغها» و یا «زمانی برای حمله سگها» در هر کشوری ساخته شود، فیلم «زمانی برای مستی اسبها» در ۷ جشنواره جهانی عرضه شد و جوایز فراوانی را به دست آورد. بهمن قبادی کارگردان گرد این فیلم که به جای اینکه وارد سیاست بشود و استعدادش را تلف کند، در حالی که دندانهای جشنواره‌های جهانی را شمرده بود و می‌دانست یک کارگردان خوب بین‌المللی جهان سومی کارگردانی است که بدبختی کشورش را باید به خوبی نشان دهد تا کارگردان خوشبختی بشود، این فیلم را ساخت. در شهریور ۷۹ زمانی که فیلم «زمانی برای مستی اسبها» در هفت جشنواره عرضه شده بود، فیلم «دایره» جعفر پناهی که بخشی از فلاکت و بدبختی و بحرانه‌های اجتماعی ایران را نشان می‌داد، جایزه شیر طلایی ونیز را برد. موفقیت

این فیلمها در جشنواره‌های جهانی درست در زمانی صورت می‌گرفت که جشن صدسالگی سینمای ایران برگزار شده بود. سینمای ایران که همزمان با رشد مطبوعات پس از دوم خرداد مورد بی‌اعتنایی یا کم‌توجهی مردم قرار گرفته بود، پس از توقیف مطبوعات مجدداً مورد توجه قرار گرفت. مردم می‌گفتند: «آدم که نمی‌تونه دو تا کار رو همزمان انجام بده، هم روزنامه بخونه، هم سینما بره.»

## بساط هزار فامیل را جمع کنید

چرا سرحدی‌زاده گفت: «بساط هزار فامیل را جمع کنید»؟ آیا او نمی‌دانست تعداد خانواده‌هایی که بساط سیاست و اقتصاد را در کنترل‌شان دارند، به صد خانواده هم نمی‌رسد؟ به نظر می‌رسد علت این اظهارنظر او به این برمی‌گردد که ایرانی‌ها معمولاً عادت دارند که هر چیز بزرگی را با عدد هزار نشان می‌دهند. در حالی که «هزار پا» نهایتاً ۲۳ جفت یا ۳۲ جفت یا ۱۶ جفت یا ۶۴ جفت پا

در سازمان ملل توجه بسیاری از جهانیان را به او جلب کرد. دکوئیار در پی ملاقات با خاتمی اظهار داشت: «خاتمی مرد محترمی است.»

خاتمی که چند سال بود اظهار می‌داشت که گفتگو مهمترین راه برای رسیدن به وضعی مناسب است، بالاخره پس از مدتها گفت که: «گفت‌وگو آسان نیست.» احتمالاً در نیویورک به او گفته بودند: «چطور آسان نیست، خیلی هم آسان است. کاری ندارد، ما حرف می‌زنیم، شما هم حرف می‌زنید.» و بعد، خاتمی گفته بود: «اینکه شما حرف می‌زنید آسان است، اما اینکه ما حرف می‌زنیم آسان نیست.»

به هر حال خاتمی در نیویورک خیلی حرفها زد که خیلی هم آسان نبود. او در جمع ایرانیان مقیم آمریکا حاضر شد و گفت: «هرگز ایران و ایرانی را از یاد نبرید.»

بعد یکی از ایرانی‌ها پرسیده بود: «یعنی ما برگردیم ایران؟»

دارد، آنها به این موجود می‌گویند هزار پا.

با وجود اینکه سرحدی‌زاده دستور داده بود که بساط هزار فامیل را جمع کنند، چون کسانی که قرار بود این بساط را جمع کنند خانواده‌دار بودند و حاضر نبودند کاری به این سختی را بدون استفاده از خانواده‌شان انجام دهند، موضوع به بعد موکول شد.

### یک ایرانی به نیویورک می‌رود

خاتمی نمی‌خواست به نیویورک برود، او می‌دانست هر وقت که به خارج از ایران می‌رود عده‌ای دستگیر می‌شوند، یا شهری شلوغ می‌شود، یا تیری از جایی در می‌رود و به جایی می‌خورد، اما یک چیز بود که او را دلگرم می‌کرد. واقعیت این بود که دیگر روزنامه‌ای برای تعطیل شدن نمانده بود و کسی نبود که به زندان نرفته باشد، بنابراین به جواد فریدزاده گفت: «جواد آقا! می‌ریم نیویورک.»

در پی این اظهارنظر آنان به نیویورک رفتند. نطق خاتمی

و بعد خاتمی گفته بود: «بعله.»

بعد یکی از ایرانی‌ها پرسیده بود: «اگه ما بیایم ایران، بین

ما دعوا بشه، مارو با چی می‌زنن؟»

بعد خاتمی گفته بود: «ما شمارو نمی‌زنیم.»

بعد یکی از ایرانی‌ها پرسیده بود: «اگه ما بیایم ایران، یه

روزی دعوا بشه بین جناح چپ و راست، مار و باچی

می‌زنن؟»

خاتمی گفته بود: «با دُمب نرم و نازک شون.»

بعد یکی از ایرانی‌ها گفته بود: «نه نه نه نه، ما نمی‌آییم.»

... و مدتی بعد خاتمی به ایران برگشته بود.

### بردبالاری و مردم سالاری

و به تدریج جریان فشار به نتایج جالبی رسید. بسیاری از

نیروهای تندرو میانه‌رو شدند و بسیاری از نیروهای میانه‌رو

کندرو شدند. برخی از نیروهای کندرو ایستادند و برخی از

نیروهایی که ایستاده بودند دراز کشیدند و خوابیدند.

واقعیت نشان داد که عقلانیت همیشه به صورت عقلانی

شکل نمی‌گیرد، گاهی رفتارهای غیرعقلانی باعث توسعه

رفتارهای عقلانی می‌شود. در ماه شهریور بود که خاتمی

اظهار داشت: «نابردباری، مردم‌سالاری را به شکست

می‌کشاند.» وی مدتی بعد گفت: «تجربه نوپای

مردم‌سالاری ایران با خطر بزرگی مواجه است.» مخالفان

مردم‌سالاری گفتند: «خدارو شکر، ایشاءالله بمیره از

شرش راحت بشیم.» به دنبال همین حرفها بود که عباس

عبدی گفت:

- «ما مشوق شیوه تند و خشن نخواهیم شد.»

طرفداران شیوه‌های تند و خشن بعد از شنیدن این

موضوع از عباس عبدی ناامید شدند و به سراغ دفتر

تحکیم وحدت رفتند و از آنها پرسیدند: «شما چی؟»

دفتر تحکیم وحدت هم جواب داد:

«جنبش دانشجویی از مرزهای اصلاح‌طلبی عبور نخواهد

کرد.»



نوزدهم شهریور ماه منتشر شد. سه روز بعد از این واقعه، حکم متهمان پروندهٔ حوادث شهرستان خلخال که در فروردین و در جریان انتخابات رخ داده بود صادر شد. اگرچه این دو واقعه یعنی انتشار روزنامهٔ «آفتاب یزد» و صدور حکم متهمان پروندهٔ حوادث خلخال ربطی به هم نداشت، اما نمی‌دانم چطور شد که ما اینطور نوشتیم.

### مهندس موسوی و قلله‌های ثروت

مهندس میرحسین موسوی مردی که لهجهٔ آذربایجانی‌اش همواره با گوشه‌های تیز یک تُرک حرفه‌ای هم به سختی شنیده می‌شود، جزو معدود مردان بزرگ سیاستمدار این کشور است که پس از یک دوره حکومت در قوهٔ مجریه نه برکنار شد، نه ترور شد، نه اعدام شد و نه از کشور فرار کرد، به شکرانهٔ این واقعه دریافت که نقاشی و تجربه در فرم‌های مدرن و پست مدرن پس از سالها نخست‌وزیری برای یک نخست‌وزیر سابق ضروری است. اگر از او

این سؤالات ادامه پیدا کرد. همه می‌پرسیدند: «چه کسی می‌خواهد برخورد تند و خشنی را در پیش بگیرد؟» همه می‌گفتند: «بقیه». جناح راست با جدیت تمام عنوان کرد که در جبهه اصلاح‌طلبان گروهی پروژه عبور از خاتمی را مطرح می‌کنند و همه می‌پرسیدند: - «مرد به این خوبی، آخه واسه چی می‌خواین ازش عبور کنین؟»

### آیا خاتمی آفتاب یزد است؟

یکی از مشخصات مردم ایران این است که وقتی قرار شد یک نفر را بزرگ کنند، آنقدر او را بزرگ می‌کنند که بعداً چاره‌ای جز کوچک شدن خودشان باقی نمی‌ماند. اما منظور از «آفتاب یزد» خاتمی نبود. درست است که مردم خاتمی را دوست داشتند، اما هیچوقت به او آفتاب یزد نگفتند. «آفتاب یزد» یک روزنامه بود که در ماه شهریور انتشار خود را آغاز کرد. اولین شمارهٔ این روزنامه

پرسید: «نظرتان در مورد سازندگی چیست؟» می‌گوید: «اگر منجر به افزایش ثروت نشود، خوب است» و اگر از او پرسید: «سالاد چیست؟» خواهد گفت: «غذایی است که ثروتمندان سر سفره می‌خورند.» وی در ماه شهریور، درست در زمانی که اقتصاد اهمیت خود را بکلی از دست داده بود و همه چیزهای دیگر اهمیت داشتند، اظهار داشت: «اقتدار سیاسی نباید زمینه دستیابی به قله‌های ثروت باشد.»

### آخر اسم زندان را توحید می‌گذارند؟

با افزایش توجه مردم و مجلس به پدیده زندان و زندانی که به دلیل افزایش کیفی زندانیان در سال ۷۹ صورت گرفته بود، مجلس تلاش کرد تا زندانیان را آزاد کند، اما چون به نتیجه نرسید، تعدادی از زندانهای غیرقانونی و یا زندانهایی که وضعیت چندان مطلوبی نداشتند - برخلاف سایر زندانها که وضع چندان مطلوبی دارند - را تعطیل کرد.

«زندان توحید» که همیشه به عنوان یک زندان جالب شناخته شده بود و بسیاری از زندانیان روزهای شیرین زندگی‌شان را در آن گذرانده بودند و با خاطره آن به شکل عجیبی احساس لذت و شادمانی می‌کردند، تعطیل شد.

### ... و سرانجام نقدی رفت

سردار نقدی در اواخر شهریورماه از حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی پس از مدتها دعوا و درگیری رفت. سردار رضانی پس از او به عنوان رئیس حفاظت اطلاعات ناجا منصوب شد. نوشتن در مورد جناب آقای نقدی کار مشکلی است، چون ایشان به هر حال از شما شکایت می‌فرمایند.

### نسل جوان

چرا خاتمی گفت: «نسل جوان تعیین‌کننده سرنوشت خواهد بود.»؟ انگیزه مشخصی را برای این موضوع

ربطی به وکیلش نداشت، آزاد خواهند شد، این اتفاق نیفتاد. جداری فروغی مدتی بعد آزاد و سیدابراهیم نبوی تا دو ماه بعد در زندان ماند. واقعاً مردم چرا این شایعات را درست می‌کنند؟

### رئیس مخالف است

طرح «لغو گزینش» و «عفو عمومی» در مجلس مطرح شد. این طرح‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت، به همین دلیل هم به نتیجه نرسید. رئیس مجلس در یک اظهار نظر آشکار گفت: «بنده با طرح‌های لغو گزینش و عفو عمومی مخالف هستم.»

### سینما، سینما نیست

با کاهش توجه به سیاست، افزایش توجه به سینما اوج گرفت. سیاستمداران خودشان را موظف می‌دیدند حرفهای جالبی در مورد سینما بزنند. و معمولاً

نمی‌توان یافت، جز اینکه بالاخره جوانها بزرگ می‌شوند و مملکت را در دستشان می‌گیرند و بعد گروهی از جوانها سر کار می‌آیند که تعیین‌کننده سرنوشت خواهند بود. در سال ۷۹ هجده‌ساله‌ها نوزده‌ساله و نوزده‌ساله‌ها بیست‌ساله شدند. افزایش وسیع میزان ازدواج و زاد و ولد ناشی از انقلابیگری در سالهای ۵۸ تا ۶۲ بیست سال بعد ثمرات خود را نشان داد. همزمان با رشد جوانان در دو سه سال اخیر مصرف زل و روغن مو به شدت افزایش یافت.

در یک اقدام استانداردگرایانه توسط معاون وزیر بهداشت، وی اظهار داشت: «در مصرف روغن مایع دقت کنید!» در پی این نظر بی‌دقتی در مصرف روغن جامد اوج گرفت.

### ... و آنها آزاد نشدند

در پی اعلام این خبر که «جداری فروغی» وکیلی که به دلیل راهنمایی غیرمسئولانه موکلش بازداشت و زندانی شده بود و «سیدابراهیم نبوی» که زندانی شدنش هیچ

که معلوم نشد مخالف چه سیاستی است. اندیشمندان بزرگ جمع شدند و اظهار داشتند که سیاست آرامش فعال مخالف یکی از سیاستهای زیر است:

(۱) آرامش مفعول

(۲) تشنج فعال

(۳) سیاستهای دیگر

(۴) هر سه پاسخ غلط است

ظاهراً طراحان این سیاست معتقد بودند که سیاستمداری که در وضع آرامش فعال به سر می برد باید رفتارهای زیر را انجام دهد:

(۱) بی سر و صدا جیغ بزند

(۲) خوابیده راه برود

(۳) به جای عمل کردن کمی هم فکر کند

(۴) از خیابان فقط برای راهپیمایی استفاده نکند

(۵) تمام جهانیان را سریعاً نجات ندهد.

شمس الواعظین که در ماه مهر در مرخصی به سر می برد،

سیاستمداران هر وقت خودشان را موظف می بینند، حرفهای بامزه ای می زنند. خانم سهیلا جلودارزاده طی تحلیلی اساسی و زیبایی شناسیک و تماتیک از فیلمهای جنگی گفت: «در فیلمهای جنگی هیچ اشاره ای به فداکاری زنها نمی شود.» این اظهار نظر عمیق و زیبایی شناسانه اثبات کرد که این سیاستمدار بزرگ علاوه بر اینکه لزومی ندارد در مورد سینما نظر بدهد، بلکه لازم است که حتماً گاهی اوقات فیلم جنگی تماشا کند.

## آه! قصه زندگی

و طبعاً یکی از خبرهای ماه شهریور این بود که انتشار مجله «قصه زندگی» متوقف و آخرین شماره آن جمع آوری شد.

## شمس در مرخصی به سر می برد

سیاست «آرامش فعال» یکی از مهمترین سیاستهایی بود

این اظهار نظر باعث شد تا میزان خودکشی در کشور افزایش یابد و گروه وسیعی از مردم دق کنند. همزمان با این موضوع مدیر مسئول کیهان اظهار داشت: «ما وظیفه داریم آزر خطر را بکشیم.»

### ۱۵۰ نفر، ۷/۳ ریشتر

درگیری‌های خرم‌آباد که در اعتراض به برگزاری یک نشست دانشجویی صورت گرفته بود و نشان از توسعه سیاسی کشور داشت با بازداشت ۱۵۰ نفر از مسببان حادثه که شیشه‌های مغازه‌ها و ساختمانها را شکسته بودند پیگیری شد، همزمان با این واقعه زلزله‌ای به قدرت ۷/۳ ریشتر در ژاپن رخ داد، طی این زلزله تعدادی شیشه شکست، اما به هیچکس آسیبی وارد نیامد. همزمان با این واقعه وزیر اطلاعات اظهار داشت: «در جهان کنونی بدون توسعه مرگ ما حتمی است.» وی نگفت که ما کی می‌میریم.

طی مصاحبه‌ای که در آن اعلام شده بود که «چرا اصلاح‌طلبان به آرامش فعال روی می‌آورند؟» به طرح این موضوع پرداخت و پس از مدتی دوباره به زندان برگشت.

### به کجا چنین شتابان؟ موتور اصلاحات سوخت

«آرامش فعال» به اشکال مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفت، مهاجرانی، نظریه‌پرداز تسامح، تساهل و غیره در اوایل مهرماه اظهار داشت: «شتاب موتور اصلاحات کاهش یافته است». کلیه نیروهای جبهه دوم خرداد سرعت‌ها را کم کردند و سیاست کنترل سرعت در هنگام احتمال خطر تصادف را در پیش گرفتند. گروه‌های جبهه دوم خرداد اعلام کردند: «هیچ کس در جبهه دوم خرداد قصد عبور از خاتمی را ندارد.» نیروهای جبهه اصلاحات چنان به آرامش فعال روی آوردند که مهدی کروبی رئیس مجلس اظهار داشت: «من پرچمدار اصلاحات هستم.»

## لایحه جرم سیاسی

آیا نمایندگان مجلس از تقدیم لوایحی که به نتیجه نمی‌رسید و تصویب نمی‌شد و یا با مشکلی مواجه می‌شد، قصد خاصی داشتند؟ آیا آنان می‌خواستند بگویند که تقدیم یک لایحه به اندازه تصویب و اجرای یک لایحه اهمیت دارد؟

سرانجام پس از ماهها لایحه جرم سیاسی تقدیم مجلس شد. تقدیم، تصویب و اجرای این لایحه تمام مشکلات سیاسی کشور را حل کرد.

## کی از همه پرزورتره؟

وزیر معادن و فلزات خبر دلنشینی را عنوان کرد. وی اظهار داشت: «رانت‌خواران فقط در سال گذشته ۲۰۰ میلیارد تومان از انحصار آهن خورده‌اند.» این واقعه مردم را متوجه مردان بزرگ و قدرتمندی کرد که اشتهای فراوان‌شان ستایش همگان را برانگیخته بود. همزمان با

این واقعه بود که «رضازاده» جوانی کم سن و سال که از اردبیل به سیدنی رفته بود. در شرایطی که وزنه‌برداران معمولاً حداکثر نیم کیلو رکورد جهانی را افزایش می‌دهند ۱۲/۵ کیلو رکورد جهان را افزایش داد و قوی‌ترین مرد جهان شد. او به مدت یک هفته قهرمان بزرگی برای مردم ایران بود. در زندان اوین، اکبر گنجی همین کار را با نپوشیدن لباس زندان انجام داد. او و سایر زندانیان مطبوعاتی ممنوع‌الملاقات و ممنوع‌التلفن شدند. همزمان با این واقعه دادگاه انقلاب اعلام کرد که: «هیچ منعی برای ملاقات با گنجی وجود ندارد.» کلیه نیروهای جبهه دوم خرداد تلاش‌های خود را برای متقاعد کردن گنجی به اینکه لباس زندان بپوشد و دست از اعتصاب غذای اعتراضی‌اش بردارد، انجام دادند. و سرانجام گنجی قبول کرد. مردم در به در دنبال قهرمان می‌گشتند. خاتمی در ماه مهر گفت: «منتظر قهرمان نباشید.» مردم پرسیدند: «پس منتظر چی باشیم؟»

کابینه و مسائل کم‌اهمیتی از این دست، مجلس که قرار بود مرکزی برای دعوای سیاسی باشد، ناگهان به یک مرکز مهم برای تصمیم‌گیری تبدیل شد. این موضوع هم برای مردم و هم برای نمایندگان مجلس بسیار دشوار بود. مردم که عاشق حرف‌زدن و حرف شنیدن بودند، از نمایندگان می‌خواستند به جای تصمیم‌گرفتن دربارهٔ موضوعات بی‌اهمیت و احمقانه‌ای مانند نفت و بودجه، درد آنها را بگویند. نمایندگان مجلس هم از اینکه مجبور بودند در مورد این موضوعات بحث کنند و به موضوعاتی بپردازند که واقعاً معنی نداشت، به طور عجیبی غمگین بودند. اختلاف میان اکثریت مجلس و رئیس آن بالا گرفت و این موضوع بسیار طبیعی بود. معمولاً مردم ما عادت دارند که کسی را به عنوان ریش‌سفید و با مصلحت‌سنجی و مصلحت‌بینی به عنوان رئیس انتخاب کنند و بعد با او مخالفت کنند. اساساً طبیعی است که هر ایرانی بیش از هر موضوعی

## گوساله را آزاد نکنید

یکی از مشخصات یک مجلس خوب همیشه این است که می‌بایست گروه‌های مختلف اجتماعی در مجلس نمایندگانی داشته باشند. با رفتن افرادی مانند فلانی نمایندهٔ سابق فلانجا در مجلس که بار سنگینی را به دوش می‌کشید، برخی نمایندگان پرچم نمایندگی گروهی از این مردم را بر دوش گرفتند. این نمایندگان حرف‌های جالبی برای ایرانیان و جهانیان داشتند. یکی از نمایندگان مجلس در مهرماه ۱۳۷۹ در یک اظهارنظر صریح و آشکار که بسیار مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت، اظهار داشت: «مطبوعات! مطبوعات! بابا گوساله ملانصرالدین است. اگر آزاد شوند، فرار می‌کنند.»

## قافیه‌ها را جور کنید، ای شاعران!

با کشیده شدن موضوع مطبوعات، زندانیان سیاسی، نفت، بودجه، حوادث سیاسی کشور، تغییرات کشور، تغییرات

دفعه در کشور از آسمان افتاده بود فکر می‌کردند و از صبح تا شب در مورد افکارشان بحث می‌کردند. خاتمی، مردی که در تمام سخنانش ما را به آینده پرتاب می‌کند و همواره در حال تلاش برای نجات بشریت در فرداست، طی یک اظهارنظر فلسفی - تاریخی - نفتی اظهار داشت: «نفت برای ما در جهان فردا کالای بزرگی نیست.» در پی این اظهارنظر مردم سؤال کردند: «پس در جهان فردا چه چیزی کالای بزرگی است؟» خاتمی ساکت شد و لبخندی زد و گفت: «بله، ما باید در این مورد فکر کنیم.»

### جهانگرد در مجلس

نصرالله جهانگرد، مردی که تا ماه مهر فقط دوستانش او را می‌شناختند، در این ماه به عنوان یک چهره مهم مطرح شد. در پی استعفای وزیر پست رایزنی‌ها برای یافتن بهترین وزیر ادامه یافت. طبعاً منظور از رایزنی این است که از دیگران پرسیده شود: «ببین! یکی نداری بیاد وزیر

تمایل داشته باشد که با رئیس خودش مخالفت کند. با طرح مسئله لایحه جرم سیاسی و بحث دفاع از زندانیان سیاسی، کروی ری رئیس مجلس با تمثیلی شاعرانه نمایندگان را متوجه اصل قضیه کرد. وی گفت: «در مورد آزادی، شعری می‌گوییم که در قافیه آن گیر می‌کنیم.» همزمان با همین رفتار شاعرانه بود که گزارش شورای امنیت کشور در مورد حادثه خرم‌آباد منتشر شد و مجلس در مورد آن به بحث و بررسی پرداخت. هر سه قوه، مرکزی را برای قضاوت در مورد حادثه خرم‌آباد تعیین کردند و بدیهی است که نظر این سه مرکز به کلی با هم تضاد داشت. همزمان با این موضوع بحث نفت در مجلس عنوان شد. و طرح موضوع نفت به جای اینکه مجلس را شعله‌ور کند، آن را آرام کرد. هر سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه به فکر این افتادند که با مازاد درآمد ارزی چه باید بکنند. بحث مازاد درآمد به موضوع اصلی بحث مجلس بدل شد. نمایندگان از شب تا صبح در مورد این همه پول که یک



«آوای سبز» اظهار داشت: «طبیعت را پاس بداریم»، مردم گفتند: «چشم، الهی قربونت بریم که اینقدر مهربونی.»

### اشکوری محاکمه شد

حسن یوسفی اشکوری روحانی میانسالی که در کنفرانس برلین حضور داشت و حکم «ارتداد از راه دور» را زمانی که در فرانسه به سر می‌برد دریافت کرده بود، بلافاصله پس از بازگشت به ایران دستگیر، بازداشت، بازجویی، محاکمه و طبعاً محکوم شد. حکم وی اعلام نشد، اما به نظر می‌رسید که وی به عنوان مرتد محکوم به اعدام شده است. در پی این امر گروه‌های جبهه دوم خرداد استفاده از اتهام ارتداد را به صورت شدیدالحنی مورد اعتراض قرار دادند. علیرغم اینکه این موضوع بسیار ترسناک بود، اما عجیب بود که همه جوری در مورد آن صحبت می‌کردند، انگار همه می‌دانند که موضوع جدی نیست.

بشه، فقط شرطش اینه که سابقه کار نداشته باشد.» در پی این امر نصرالله جهانگرد به عنوان نامزد وزیر پست به مجلس معرفی شد، اما موفق به گرفتن رأی اعتماد نشد. طرفداران خاتمی ابتدا از این موضوع ناراحت و سپس خوشحال شدند، خاتمی در این مورد اظهار داشت: «رأی مجلس تقابل با دولت نبود.»

### طبیعت را پاس بداریم

مسئله محیط زیست در ماه مهر به شدت مورد توجه قرار گرفت، طبیعی است که در ایران هر وقت موضوعی برای حرف‌زدن وجود ندارد، یا آزادیهای سیاسی و اجتماعی محدود می‌شود، یا مسائلی از این دست، بحث محیط زیست مورد توجه قرار می‌گیرد و شاید علت نابودی جنگلهای ایران در بیست سال اخیر، فضای فعال سیاسی ایران در دو دوره آزادیهای سیاسی است. خاتمی در مراسم دو تشکل غیردولتی جوانان «ققنوس آبی» و